

خلاصه بخش سوم - اندیشه اسلامی ۲ (حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام)

سیده زهرا اخلاقی جوان-استاد علی اصغر یزدان بخش

❖ حق حیات ← حق فطری و طبیعی ← اساس تمام حقوق بشر

❖ قرآن کشتن یک انسان را به منزله ی کشتن همه ی انسانها می داند .

↓
هشدار نسبت به هرگونه تعرض ناروا به حق زندگی

❖ هر انسان ← حامل حقیقت واحدی است ← که در جمیع انسانها وجود دارد .
↓
انسانیت
کشتن یک انسان = کشتن نوع انسان - زنده نمودن یک انسان = زنده نمودن همه انسانها

ماده دوم اعلامیه اساسی حقوق بشر:

الف) زندگی موهبتی الهی و حق تضمین شده برای هر انسان و واجب بر همه افراد، جوامع و حکومت ها که از این حق حمایت کرده و در مقابل هر تجاوزی علیه آن ایستادگی کنند و کشتن هیچکس بدون مجوز شرعی جایز نیست.

ب) ممنوعیت استفاده از وسیله ای که منجر به از بین بردن سرچشمه بشریت بطور کلی یا جزئی گردد.

ج) پاسداری از ادامه زندگی بشریت تا هر جایی که خداوند مشیت نماید ← **وظیفه شرعی**

❖ تفاوت زندگی انسان با سایر حیوانات ← **حیات مادی و طبیعی** انسان با روح الهی در آمیخته ← این نوع رابطه انسان با خدا **صیانت از حق حیات** را به صورت **تکلیف** در آورده است ← **حق حیات: قابلیت اسقاط یا نقل و انتقال**

بند ۱ ماده ۶ میثاق بین المللی ← حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است.

بند ۲ ← در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده صدور حکم اعدام جایز نیست، مگر در مورد مهم ترین جنایات طبق قانون لازم الاجرا در زمان ارتکاب جنایت.
اجرای این مجازات جایز نیست مگر به موجب حکم قطعی صادر از دادگاه صالح.

❖ مجازات اعدام در کشورهای **عضو اتحادیه اروپا** لغو گردیده است.
و دلیل این امر را **ذاتی بودن حق حیات** می دانند.

❖ حقوق دانان غربی معتقدند اگر حقی از جمله حقوق ذاتی انسان باشد قابل سلب نخواهد بود →

اسلام با آنکه از حق حیات بالاترین دفاع را به جای آورده و نسبت به تجاوز به زندگی انسانها و ریخته شدن خون بی گناهان شدیدترین واکنش ها را نشان داده است در مواردی نه تنها مجازات اعدام را جایز، بلکه واجب شمرده است.

✓ بدون شک هیچکس نمی تواند مدعی باشد که در پاسداری از حقوق انسانها از خداوند نسبت به بندگانش، دلسوزتر و رئوف تر است.

✓ یکی از مشکلاتی که حقوق بشر معاصر با آن مواجه شده این است که هر موجود دوپای به ظاهر انسان را، انسان و بشر فرض کرده است.

آیا می توان جنایت کارترین، پلیدترین و خبیث ترین انسانها را که در جنایت و خباثت و درنده خوئی آنان کسی تردیدی ندارد باز هم انسان دانست؟ قرآن این گروه را همانند حیوانات بلکه پست تر می داند. آنان همانند چارپایان بلکه گمراه ترند. آری آنان همان غافل ماندگانند. آیا ما برای حیوانات، حق حیات انسانی قائلیم؟ آیا احترام به حق حیات حیوانات مایه ی پیمالی حق حیات انسانها نیست؟

نفی مطلق مجازات اعدام؛ گذشته از اینکه از این نظر غیر منطقی است، غیر عقلانی
ینز به نظر می رسد. اسلام لزوم اجرای قصاص را در راستای پاسداری از حق حیات
جامعه جایز می داند.

✓ ولکم فی القاص حیاة یا اولی الألباب ← و ای خردمندان، شمار ادر قصاص زندگانی است.

فلسفه قصاص در اسلام، تضمین حیات دیگر انسانها است. این حکم به جنایتکاران هشدار می دهد که حیات انسان ها را به بازی نگیرند. برای تبهکاران هیچ عاملی همانند مرگ و محرومیت از حیات نمی تواند بازدارنده باشد.

۱- قصاص

۲- دفاع از جان و ناموس

۳- سلب امنیت اجتماعی و افساد در زمین

۴- ارتداد

۵- جهاد برای رفع فتنه گران و حق ستیزان

استثنائات حق حیات

آثار حق حیات:

۱) التزام به حقوق فرعی دیگر ← در بردارنده ی حقوق دیگر (حق بهداشت، تغذیه مناسب)

• در اسلام ← ممنوعیت زیان رساندن به بدن → سلامتی انسان در معرض خطر

۲) سقوط برخی از تکالیف در صورت تراحم با حق حیات ← هرگاه انجام احکام شرعی مستلزم وارد آمدن ضرر جسمی یا روحی به انسانها شود آن تکالیف برداشته خواهند شد.

• در اسلام ← تکلیف به قدر طاقت و توان انسانها = قاعده لاجرح (حرام شدن روزه گرفتن در صورت زیان رساندن به سلامت انسان)

۳) حرمت خون ← در حقوق اسلام انسان نمی تواند برای نجات جان خود در صورتی که به کشت دیگری مجبور شود اقدام نماید (انسان نمی تواند با استناد به حق حیات خود حق حیات دیگران را نادیده بگیرد)

• تقیه فقط برای حفظ خون مقرر شده و اگر به خون ریزی بینجامد جایز نیست.

۴) حرمت خودکشی ← ممنوعیت خودکشی در اسلام ← روح = امانت الهی بشر

امام باقر (ع): مومن به هر آزمایشی مبتلا می شود و به هر نوع مرگی می میرد ولی هرگز خودکشی نمی کند.

۵) حرمت سقط جنین ← در حقوق اسلام هرکس موجب سقط جنین شود قاتل محسوب می شود.

• حق حیات تنها اختصاص به زمان بعد از تولد ندارد و جنین نیز حق زندگی دارد و هیچکس حتی پدر و مادر حق سلب این حق را از او ندارند.

• در فقه اسلام با توجه به میزان رشد جنین در رحم مادر و مقدار زمانی که از انعقاد نطفه گذشته است، مرتکب چنین عملی به پرداخت دیه محکوم می گردد.

فصل دوم

مصونیت فردی (امنیت شخصی): فرد از هرگونه تعارض و تجاوز
- مانند قتل، جرح، ضرب، حبس، تبعید- و سایر مجازات های غیر قانونی و خودسرانه
و یا اعمالی که منافای شئون و حیثیت انسانی اوست- مانند اسارت، تملک، بردگی و فحشا-
مصون و در امان باشد.

✓ بدون شک پس از حق حیات، هیچ حقی از حقوق انسانی ارزش حق امنیت را دارا
نیست ← این حق بنیان همه ی آزادی های بشر است و با از بین رفتن آن، آزادی
معنا نخواهد داشت.

✓ از پیامبر (ص) نقل شده: ارزش دو نعمت بر مردم پوشیده مانده است ←

امنیت و عافیت (نعمت سلامتی و زندگی)

برقراری امنیت

✓ در بیان امیر المومنین علی (ع)، یکی از اهداف حکومت ←

مصادیق امنیت:

۱- امنیت جانی

۲- امنیت حیثیتی ← انسان موجودی است که آفرینش وی در زیباترین شکل ممکن صورت
پذیرفته، خداوند خود را نسبت به چنین آفرینشی تحسین نموده و بر همین اساس تاج کرامت بر
سر او نهاده است.

نگرش الهی به انسان ← آفرینش ویژه، جایگاه ویژه و اقتدار ویژه انسان ←
بهره مندی از حقوق ویژه (صیانت از حیثیت و شرف انسانی)

✦ رابطه ای مستقیم بین استعدادها و توانایی های انسان و حقوق او وجود دارد.

جبرئیل به رسول خدا عرضه داشت: شرافت مومن ← نماز شب
عزت مومن ← ترک تعرض به حیثیت مردم

قانون اساسی ایران در مورد افرار تحت تعقیب و بازداشت شده: هتک حرمت و حیثیت کسی
که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی و یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و
موجب مجازات است.

۳- امنیت مالی ← امام علی (ع) در نامه هایی به مأموران خراج و مالیات و گیرندگان صدقات
ترک تعرض آنان به اموال و دارایی های مردم را یادآوری می کند. اسلام ثروت هایی را که
از راه های مشرور بدست آمده، محترم می شمارد و با هرگونه ناامنی اقتصادی مبارزه میکند.
حق مالکیت و امنیت شغلی را نیز می توان در همین راستا مورد توجه قرار داد.

۴- امنیت مسکن ← منظور آن است که خانه، اتاق شخصی و نظایر این ها از تعرض افراد مصون باشد و بدون اذن مالک یا مستأجر نمی توان وارد محیط زندگی و خلوت افراد شد.
قانون مجازات اسلامی برای متجاوزان به این حق، مجازات تعیین کرده و مقرر نموده است:
هرکس در منزل یا مسکن کس دیگری به **عنف یا تهدید** وارد شود به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم خواهد شد.

اصل ۲۲ قانون اساسی مصونیت انسان ← حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص اط تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

۵- امنیت مکاتبات، مکالمات و مخابرات ← این حق از ان سبب به رسمیت شناخته شده است که انسان ها در بهره گیری از این امکانات و ابزار، امور خصوصی و اسرار زندگی خود را منعکس می کنند ← در اسلام تجسس و فاش نمودن اسرار مردم منع گردیده است.

خطاب قرآن به مومنان: ای کسانی که ایمان آورده اید، از بسیاری از گمان ها پرهیزید که پاره ای از آنها گناه است و جاسوسی مکنید...

اصل ۲۵ قانون اساسی ← «بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون.»

۶- امنیت قضائی ← دستگاه قضایی هر حکومتی باید پیام آور عدالت و تأمین کننده ی آرامش مردم به ویژه طبقات ضعیف جامعه- باشد.

وظایف دستگاه قضائی: پاسداری از حقوق مردم و رسیدگی به تظلمات و شکایات آنان و برخورد با متجاوزان به جان و مال و حیثیت افراد

مصونیت افراد از سوی حکومت به خصوص قوه قضائیه باید تضمین شود ← **به حکم عقل و شرع اصل بر برائت است.**

هر حکمی که صادر می شود باید **مستدل و مستند** به مواد قانونی و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.

بهترین فرد برای قضاوت: مراجعات فراوان او را در تنگنا قرار نمی دهد و حوصله او را سر نمی برد و برخورد طرفین دعوا او را به خشم و انقباض نمی دارد. در اشتباهات پافشاری نمی کند. به هنگام شناخت حق، بازگشت به آن برای سخت نمی باشد. طمع را از دل بیرون افکنده و در فهم حقیقت به تحقیق اندک اکتفا نمی کند. در شبهات از همه محتاط تر و در یافتن دلیل و حجت از همه مصرتر- خستگی او در برابر مراجعات شاکی کمتر- شکیباترین افراد در کشف امور و قاطع ترین آنان در فصل خصومت- ستایش و تملق فراوان فریبش نمی دهد.

۷- امنیت اخلاقی ← تضمین و تأمین چنین امنیتی حق مردم و تکلیف صاحبان قدرت است. توسعه و شکوفایی همه جانبه هنگامی میسر خواهد بود که حریم فضائل و ارزش های انسانی در جامعه حفظ گردد و هرکس از این جهت احساس امنیت و آرامش نماید.

انسان مدرن در زمینه اخلاقی از هر زمان دیگری آسیب پذیرتر گشته و در خطر است.

❖ از نظر اسلام سالم سازی محیط اجتماعی به منظور رشد و تعالی یکی از وظایف مقامات دولتی است.

فصل سوم

در اسلام ← اعتقاد به اصول دین و ارکان و پایه های ایمان ← با تحقیق- به تقلید

امکان تحقیق ← فراهم بودن فضا برای آزادی اندیشه و تدبر و تعقل

ارزش و جایگاه اندیشه در اسلام:

۱- آدم= حیوان ناطق → قدرت فهم و اندیشه- در کنار عقل دو ابزار شناخت (چشم و گوش)

• فواید = در لغت: قلب و دل ← در فرهنگ قرآنی: قوه عاقله و اندیشه

۲- انسان دارای ابزار های کافی (مسئولیت آور) برای شناخت ← اقدامات آگاهانه

۳- بدترین ها= کسانی که از این ابزار شناخت بهره برداری نمی کنند

• بدترین جنبنندگان نزد خدا، ناشنوایان و ناگویاهایی اند که نمی اندیشند

۴- تعبد بدون تعقل= بی ارزش، اندیشیدن= با ارزش

• امام صادق از امام علی نقل می فرمایند که (عبادت بدون تفکر، خیر و برکت ندارد)

رابطه اندیشه و عقیده

آزادی اندیشه ≠ آزادی عقیده ← اندیشه و عقیده دو امر مرتبط با هم اند.

اندیشه= حالت پویایی ذهن ← فعالیت ذهنی= تفکر: جستجو در معلومات برای کشف مجهولات

فکر= نوعی حرکت

عقیده از عوامل دیگری غیر از اندیشه سرچشمه گرفته است

آزادی عقیده: هرکس هر ایده اجتماعی، مذهبی، سیاسی و فرهنگی را که دوست دارد، آزادانه و بدون هیچ نگرانی از مداخله دیگران انتخاب کند.

پیشرفت و تکامل بشر → در گرو آزادی تفکر

منشأ عقاید = عادت ها، تقلید ها و تعصب ها

ابعاد آزادی عقیده:

۱- آزادی از تحمیل عقیده ← عقیده امری تحمیل بردار نیست

لااکراه فی الدین ← اعتقاد و ایمان از امور قلبی است که تحت تأثیر اکراه و اجبار قرار نمی گیرد زرا اکراه تنها بر اعمال ظاهری و افعال و حرکات مادی بدن اثر می گذارد، اما عقیده قلبی علل و عواملی از سنخ اعتقاد و ادراک دارد.

آنچه پیغمبران می خواهند ایمان است نه اسلام ظاهری و اظهار اسلام

ممنوعیت ایمان تحمیلی (سوره یونس- آیه ۱۰):

آیا پروردگار تو می خواست، قطعاً هر که در زمین است، همه آنها یکسر ایمان می آورند پس آیا تو مردم را ناگزیر می کنی که بگردند؟

۲- تفتیش عقیده ← طبق آیه ۱۲ سوره حجرات با نهی از تجسس بصورت مطلق، جستجو از عقیده اشخاص نیز نهی می گردد.

اصل ۲۳ قانون اساسی: تفتیش عقاید ممنوع است.

۳- داشتن عقیده ← اصل ۲۳ قانون اساسی (هیچکس را نمیتوان به صرف داشتن عقیده مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد).

اسلام هر عقیده ای را جز اسلام باطل می داند ولی این بدین معنا نیست که اجازه داشتن عقاید دیگر را به افراد ندهد.

۴- بیان عقیده ← ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر (هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد)

آزادی عقیده، بیشتر بر جنبه ابراز و اظهار عقیده باید تکیه نمود و گرنه داشتن عقیده، به لحاظ آنکه یک امر درونی و قلبی است از حوزه حقوق خارج می باشد.

البته هرگاه ابراز عقیده موجب اخلاص در عقاید مردم گردد که توان صیانت از امواج سهمگین ایجاد شده را ندارند در اینجا صورت مسأله فرق خواهد نمود.

بدین ترتیب میتوان نتیجه گرفت که در صورتی که فضا برای ابراز عقیده سالم باشد به گونه ای که به دور از جو سازی و غوغاسالاری و اغواگری و در شرایطی که بع طور نسبی برابر است این کار انجام پذیرد، اسلام ۱۰۰ درصد با آن موافق خواهد بود.

۵- **تحقق بخشیدن به عقیده** ← گاه کسی اعتقاد خود را درباره ی زنده به گور کردن دختران بیان می کند. این اعتقاد گرچه در نظر دیگران نادرست باشد اظهار آن چندان مشکل ساز نخواهد بود ولی اگر بخواهد به این باور و اعتقاد خود جامه ی عمل ببوشاند، اینجاست که فاجعه رخ خواهد داد.

قلمرو آزادی در داشتن عقیده نمیتواند با قلمرو آزادی در اعمال عقیده یکسان باشد.

۶- **تغییر عقیده** ← ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر (هرکس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره مند شود. این حق متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان می باشد)

تغییر عقیده = ارتداد = مجازات مرگ

برخی بر این باورند که احکام مرتد مخصوص کسانی است که پس از درک حقیقت به انکار آن پرداخته اند (اهل جحود) اما کسانی که فقط به دلیل شک و شبهه از دین بر میگردند (نبود آگاهی) یا بدون داشتن عناد به فهم حقیقت نائل نمیی شوند و آنرا نمی پذیرند مشمول مجازات مرتد نیستند. چون اصل آزادی عقیده بر مبنای (لا اکراه فی الدین) به (قد تبین الرشد من الغی) (آشکار شدن راه از بیراهه) تعدیل شده است، کسانی که پس از تبیین رشد از غی آنرا نپذیرند، از آزادی محروم اند.

برخی دیگر گفته اند: مرتد زمانی متوجه اعدام است که محارب شمرده شود و با ارتداد خود خواسته باشد لطمه ای بر اسلام وارد کند. اما ارتداد اگر توطئه شمرده نشود، مشمول احکام خارج المله است و جای ارفاق و مدارا دارد.

نظریه فقهی آیت الله فاضل لنکرانی ← چنانچه شک و شبهه، برگشت به انکار توحید، نبوت و تکذیب و تخطئه پیغمبر اکرم بکند فرد محکوم به ارتداد است ولی چنانچه شک و شبهه صرفاً نشان نبود تدین او باشد، فقط احکام مسلمانان بر او مترتب نمی شود. مثل اینکه نجس است و در گورستان مسلمین دفن نمی شود.

✓ کیفر مرتد جنبه حکومتی و تعریزی دارد. تعریز کیفر متغیری است که با توجه به شرایط خاص جرم از سوی امام مسلمین مشخص می شود و نه تنها کمیت و میزان آن به تشخیص حاکم بستگی دارد اصل اجرای آن نیز به نظر امام واگذار شده است و در شرایطی که مصلحتی در تعزیر وجود نداشته باشد از آن صرف نظر می گردد.

✓ البته یادآوری این نکته لازم است که اختیارات حاکم اسلامی در صورت تشخیص مصلحت محدود به موارد تعزیرات نیست و شامل **حدود** نیز میگردد.

تعلیم و تربیت

اندیشه و فکر بشر زمانی رشد و شکوفایی می پذیرد که زمینه و بستر مناسب برای انسان فراهم گردد. انسان از آن نظر که در سرشت خود استعداد تکامل و پیشرفت را دارا است چنین استعدادی او را نسبت به فراگیری و دانش اندوزی حقدار می سازد. تأکید اسلام بر آگاهی و کسب دانش تا آنجاست که آنرا جزو بهترین عبادات به شمار می آورد. از طرف دیگر جوامع و ملت هایی می توانند از حقوق خویش صیانت نمایند که از آگاهی و دانش بیشتری برخوردار باشند.

سخن امام علی(ع) در ۱۴ قرن پیش:

حق شما بر من این است که از خیرخواهی شما دریغ نورزم، بیت المال شما را در راهتان مصرف کنم، شما را آموزش دهم تا از نادانی نجات یابید و تربیت نمایم تا فراگیرید.

فصل چهارم

برخی از حقوق مدنی و اجتماعی که با معیشت انسان پیوندی تنگاتنگ دارند:

۱- **حق مالکیت** ← آیات متعددی از قرآن کریم که بیان می کند (خداوند آنچه که در زمین است همه را برای شما آفرید) و (آنچه را در آسمانها و زمین است به سود شما رام کرد) همگی بر حق مالکیت انسان و بهره وری وی از طبیعت دلالت می کند. اسلام مالکیت خصوصی را محترم شمرده و آنچه را که از راه مشروع بدست آمده باشد حق مسلم انسان می داند.

از دیدگاه اسلام تملک از طریق امور زیر حاصل می شود: **احیاء اراضی اموات، حیازت اشیاء مباح (تصرف یا مهیا کردن وسایل تصرف و استیلا)، عقود و تعهدات، اخذ به شفعه و وصیت و ارث.**

۲- **آزادی انتخاب شغل** ← از جمله آزادی های شخصی انسان است.

اصل ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر: هرکس حق دارد کار کند. کار خود را آزادانه انتخاب نماید. شرایط منصفانه و رضایت بخش برای کار خواستار شود و در برابر بیکاری مورد حمایت قرار گیرد.

در اسلام آزادی انتخاب شغل به رسمیت شناخته شده است اما برخی از مشاغل به لحاظ آنکه با شأن و کرامت انسانی و نیز آزادی معنوی و درونی انسان در تضاد می باشند، مشروع شناخته نشده اند (شراب فروشی، دایر کردن اماکن قماربازی و...)

آزادی در انتخاب شغل نقطه مقابل تحمیل شغل است.

در زمان خلافت علی(ع) عده ای نزد وی آمده و از ایشان خواستند دستور دهد قناتی که در منطقه آنان است و پر شده دوباره احیا شود. حضرت فرمود من کسی را به کاری که دوست ندارد مجبور نمی کنم. — دلالت بر آزادی انتخاب شغل

۳- حق اشتغال — به دنبال حق اشتغال، تکلیف دولت به کار آفرینی مطرح می گردد.

اصل ۲۸ قانون اساسی: دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

۴- حق تأمین اجتماعی — زندگی شرافتمندانه انسان زندگی توأم با آرامش و آسایش خاطر است. امنیت را نمی توان به امنیت فعلی هر فرد محدود و محصور نمود. حق تأمین اجتماعی گرچه در دوران مدرن وارد حقوق اساسی بشر گردیده است در متون اسلامی نیز نشان آن مشاهده می شود.

۵- حق مسکن — تحقق مصونیت انسان منوط به این است که انسان دارای مسکن باشد. قرآن با اشاره به این نکته که همه هستی از آن خداست از طرفی می فهماند که این مالکیت ها اعتباری است و بشر امانت دار نعمت هاست.

از جمله سعادت های انسان: داشتن منزل وسیع